

بررسی تأثیر کارایی و اثربخشی دولت بر رشد اقتصادی: مطالعه موردی ایران*

سیدمحمد میرمحمدی**

احمد پرخیده***

تاریخ دریافت: ۸۶/۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۸۶/۵/۱۲

چکیده

دولت به واسطه بهره‌مندی از مشروعیت سیاسی و قانونی، از امکانات بالقوه زیادی برای تأمین رشد اقتصادی و رفاه همگانی برخوردار است. کیفیت دخالت دولت در اقتصاد و یا به عبارت دیگر کارایی و اثربخشی دولت، ارتباط بسیار نزدیکی با عملکرد توسعه دارد، این امر تا حد زیادی در کشورهای موفق تازه صنعتی شده از یک سو و کشورهای توسعه نیافته متکی بر درآمدهای نفتی از سوی دیگر کاملاً مشهود است.

بنابراین یکی از جنبه‌های قابل بررسی در مورد نحوه دخالت و عملکرد آن در تأمین رشد باثبات اقتصادی و حفظ امنیت، می‌تواند بر کارایی و اثربخشی دستگاه دیوان‌سالاری و یا به طور کلی بر کارایی و اثربخشی دولت، متمرکز گردد. اهمیت این موضوع وقتی افزایش می‌یابد که رابطه نزدیکی بین دیوان‌سالاری و اراده سیاست‌گذاران در سطح کلان جامعه وجود داشته باشد. چراکه اغلب سیاست‌گذاران ناکارآمد، دیوان‌سالاری‌های ناکارآمدی را نیز خلق خواهند کرد.

بنابراین ترکیب دیوان‌سالاری ناکارآمد و سیاست‌گذاری نامناسب و یا به عبارت مناسب‌تر ناکارآمدی دولت می‌تواند برای توسعه و امنیت اقتصادی بسیار خطرناک باشد و به ائتلاف منابع، انحصار، عدم اعتمادپذیری دولت، بی‌ثباتی اقتصادی و نهادسازی نامناسب منتهی گردد.

این مقاله بر اساس یک رویکرد تجربی نشان می‌دهد که اثر متغیر جانشین کارایی و اثربخشی دولت بر رشد اقتصادی در ایران منفی بوده است.

* این مقاله بخشی از طرح مطالعاتی با همین عنوان است که برای مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد انجام شده است.

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

*** مدرس دانشگاه پیام نور ایلام و کارشناس دفتر حساب‌های اقتصادی مرکز آمار ایران



امروزه اهمیت کارکرد و نقش دولت در اقتصاد و مباحث مربوط به آن در بین اقتصاددانان و هم‌چنین در کشورهای در حال توسعه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. دولت به واسطه توانایی فراوان در اعمال قدرت سیاسی از توانمندی‌های زیادی برای پیشبرد سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در صحنه‌های داخلی و همین‌طور در صحنه روابط بین‌الملل برخوردار است. در واقع اگر دخالت‌های مؤثر دولت در کشورهای پیشرفته صنعتی از قبیل انگلستان و آمریکا نبود، شاید رشد اقتصادی در این دسته از کشورها راه دیگری را طی می‌کرد. حمایت‌های حسابگرانه دولتی صورت گرفته در این کشورها، هم در زمینه تضمین حقوق مالکیت و هم در زمینه حفاظت از تولیدکنندگان داخلی در برابر کالاهای وارداتی از سایر کشورها، مؤید این مطلب است. تجربه کشورهای صنعتی شده مؤخر مانند کره جنوبی و مالزی نیز حکایت از اهمیت کیفیت دخالت دولت در اقتصاد دارد. البته نقش دولت تنها منحصر به تدوین قوانین همساز با توسعه نیست بلکه جنبه مهم‌تر دخالت همانا اجرای صحیح قوانین و مقررات مصوب و سیاست‌های پیش‌بینی شده است.

بنابراین یکی از این جنبه‌های قابل بررسی در مورد نحوه دخالت و عملکرد دولت می‌تواند بر کارایی و اثربخشی دستگاه دیوان‌سالاری و یا به طور کلی کارایی و اثربخشی دولت، متمرکز باشد. دیوان‌سالاری را می‌توان قسمتی از دستگاه دولتی در نظر گرفت که مسئول اجرای تصمیمات و سیاست‌های کلانی است که توسط نهادها و تصمیم‌گیران اصلی در سطح کلان تنظیم می‌شوند و در واقع به همین خاطر است که مفهوم دیوان‌سالاری با کاغذبازی، فرآیندهای پیچیده اداری و کیفیت خدمات مدنی و میزان توانایی دیوان‌سالاری در ادامه ارائه این خدمات، یکسان انگاشته می‌شود. اما کارایی و اثربخشی دولت را از جنبه چگونگی و کیفیت تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های کلان در مواجهه با مشکلات و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی نیز می‌توان بررسی کرد. در این مقاله سعی شده است که کارایی و اثربخشی دولت هم از جنبه سیاست‌گذاری و هم از جنبه دیوان‌سالاری (اجرایی) مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

اهمیت دخالت دولت در اقتصاد

مطالعه و بررسی تاریخ توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی مخصوصاً در کشورهای



آسیای جنوب شرقی مانند کره جنوبی و مالزی نشان‌دهنده نقش بسیار مهم دولت در هدایت و دستیابی به هدف توسعه و پیشرفت جوامع بشری است. امروزه بحث درباره موضوعیت دخالت دولت در اقتصاد جای خود را به نحوه دخالت دولت داده است. به عبارت دیگر در مباحث اقتصاد سیاسی و اقتصاد توسعه دیدگاه میانه‌ای در مورد دولت شکل گرفته است که بین دیدگاه حداقلی کلاسیکی اقتصاد و دیدگاه حداکثری سوسیالیسم قرار دارد. در این دیدگاه دولت باید شرایط مناسب نهادی و قانونی را برای حمایت از فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و نهاد بازار فراهم کرده تا فعالین بخش خصوصی در محیط کاملاً رقابتی بتوانند کارایی خود را افزایش دهند.

نحوه دخالت دولت در اقتصاد ارتباط بسیار نزدیکی با عملکرد توسعه دارد. این امر تا حد زیادی در کشورهای تازه صنعتی شده از یک سو و کشورهای متکی بر درآمدهای نفتی از سوی دیگر کاملاً مشهود است. در گروه اول، اعمال سیاست‌های همساز با محیط رقابتی منجر به توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی شده و در گروه دوم، درست در خلاف جهت کشورهای تازه صنعتی شده، نتایج معکوسی به دست آمده است.

همان طوری که در قسمت قبل گفته شد کارایی و اثربخشی دولت را می‌توان در دو سطح سیاست‌گذاری و اجرایی تعریف کرد و بر همین اساس نمی‌توان کیفیت سیاست‌گذاری‌های دولت در سطح کلان را نادیده گرفت. تجربه کشورهای مختلف در امر سیاست‌گذاری نشان داده است که تنها کشورهایی در دستیابی به اهداف توسعه موفق بوده‌اند که در طول زمان از ابزارهای مبتنی بر دموکراسی اقتصادی استفاده کرده‌اند. در کنار این واقعیت نباید از اهمیت مؤلفه‌هایی چون دموکراسی سیاسی، شفافیت، کنترل فساد، کارایی و اثربخشی دیوان‌سالاری (اجرا)، حاکمیت قانون و کیفیت قوانین و مقررات در موفقیت دولت‌ها چشم‌پوشی کرد.

بر اساس تجربه‌های اخیر کشورهای شرق آسیا، دخالت‌های مناسب دولت می‌تواند دارای جنبه‌های غیربازاری هم باشد. بنابراین دخالت‌های دولت هم در جهت رفع کاستی‌های بازار و هم در جهت تخصیص منابع به نفع یک گروه خاص یا یک رشته صنعتی مشخص بر اساس شرایط و الزامات محلی، جهانی و تقاضای آتی برای محصولات آن فعالیت بخصوص، صورت می‌گیرد. یعنی گاهی مواقع دولت ممکن است جهت عملکرد بازار را تغییر دهد که این با تسریع روند بازارگرایی صرف تفاوت خواهد داشت.



حمایت از یک صنعت خاص و فراهم کردن محیط و شرایط مناسب برای رشد صنعت مورد نظر، از آن گونه دخالت‌هایی است که می‌تواند در نوع خود نتایج مثبتی را به بار آورد، همان گونه که در کشورهای شرق آسیا چنین شد. لذا موارد شکست بازار تنها حوزه‌های دخالت دولت در اقتصاد نخواهد بود. کشورهای تازه صنعتی شده و متأخر (مانند کشورهای شرق آسیا) در مراحل اولیه اجرای استراتژی توسعه صنعتی مجموعه‌ای از سیاست‌های حمایتی از صنایع نوزاد را به اجرا گذاشته و به تدریج و در مراحل بعدی ضمن کاهش حمایت از صنایع مذکور به منظور افزایش رقابت، زمینه‌های رشد صنایع سنگین و واسطه‌ای را فراهم کرده و در نهایت با نهادسازی‌های لازم برای ایجاد محیط مناسب، توانمند و سازگار برای فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی رفته‌رفته به سمت سیاست‌های بازارگرا حرکت کرده و سیاست‌های حمایتی را کاهش داده‌اند. سیاست‌های نوع اول جزء سیاست‌هایی محسوب می‌شوند که تخصیص منابع را دستخوش تغییر می‌کنند اما سیاست‌های نوع دوم و پایانی که اصلاحات نهادی هستند، سیاست‌های موافق بازار خوانده می‌شوند.

لذا به عنوان یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت که چگونگی فرآیند نهادسازی دولتی مستقیماً با تسهیل در دستیابی به توسعه‌یافتگی یا تأخیر آن در ارتباط است و از این جنبه است که کارایی دولت نقش مهمی را در کارکرد توسعه‌یافتگی ایفا می‌کند. دولت‌های کارآمد در تلاشند تا با ایجاد نهادهای اجتماعی همساز با توسعه نظیر قانون، نظم، امنیت، احترام به حقوق مالکیت بخش خصوصی و گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی، تمایل مردم به پیشرفت و توسعه را حداقل در بعد اقتصادی افزایش دهند. بنابراین می‌توان گفت در حالی که اقتصاد کلاسیک، بر عقلانیت اقتصادی متمرکز شده بود، اقتصاد سیاسی جدید بیشتر بر عقلانیت سیاسی تصمیم‌گیرندگان تأکید می‌کند. با این رویکرد، انتخاب‌های منطقی سیاست‌مداران، بوروکرات‌ها و گروه‌های ذی‌نفع بر حسب خطوط فکری جدید تفسیر می‌شود. این خطوط فکری جدید ریشه در نظریه انتخاب عمومی^۱، رفتارهای رانت‌جویانه^۲، فعالیت‌های سودجویانه فاقد بهره‌وری و اقتصاد نهادگرایی جدید دارد. ذکر این نکته ضروری است که هر قانون و هر نظمی که طراحی می‌شود مشوق توسعه نیست. در واقع همان طوری که دولت می‌تواند منبع مناسبی برای پیشبرد توسعه باشد هم چنین می‌تواند یکی از مؤثرترین ابزارهای ایجاد اختلال و بزرگ‌ترین حامی اختلال‌گران

باشد. دخل و تصرف در حقوق مالکیت خصوصی به شکل مصادره اموال، اخذ مالیات‌های گزاف، قیمت‌گذاری‌های بی‌ضابطه و ایجاد محدودیت‌های سلیقه‌ای در امر تجارت داخلی و خارجی، مانع تراشی در امر فعالیت تولیدی، فساد، ایجاد انحصارات، اعطای امتیازهای ویژه به گروه‌ها و افراد خاص و حمایت از شبکه‌های آشکار و پنهان برای سودجویی اقتصادی از جمله مثال‌های اخلاص بخش عمومی است (حسین صالحی، ۱۳۷۸: ۲۰۲).

کارایی و اثربخشی در دستگاه دولتی: مروری بر ادبیات

اثربخشی عبارت است از درجه یا میزان موفقیت سازمان‌ها در دستیابی به اهداف مورد نظر یا به عبارت دیگر اثربخشی همان درجه دسترسی به هدف‌های از پیش تعیین شده در هر سازمان است. در تعریف کارایی نیز می‌توان گفت کارایی عبارت است از استفاده حداکثر از منابع موجود به طوری که حداکثر برون‌داد با کمترین هزینه به دست آید و در نهایت مجموع کارایی و اثربخشی، بهره‌وری یک سازمان را تشکیل می‌دهند. بر این اساس اثربخشی در درون کارایی معنا می‌یابد و لذا با توجه به تعاریف موجود فاکتورها و عوامل زیادی را می‌توان برای ارزیابی کارایی و اثربخشی دولت ذکر کرد.

۱۰۳

بر طبق مطالعه کافمن^۳ فاکتورهایی که می‌تواند بر میزان کارایی و اثربخشی دولت تأثیرگذار باشند عبارتند از: میزان استفاده از مهارت‌های فنی و کاری مدیران رده‌های میانی و بالایی، میزان کارایی دیوان‌سالاری دولت، میزان اثربخشی دولت در جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولتی، توانایی دولت در اجرای نوآوری‌های سیاستی در سطح کلان، تدوین به موقع بودجه‌های سالانه، میزان توانایی دولت در کنترل روندها و فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی، توانایی دولت در ایجاد زیرساخت‌های ملی، توانایی دولت در حل مشکلات اقتصاد داخلی، چگونگی سیستم‌های نهادی حاکم، کیفیت خدمات مدنی و میزان توانایی دیوان‌سالاری در ارائه خدمات مدنی بدون تأثیر پذیرفتن از تغییرات سیاسی و جابجایی‌های صورت گرفته در ساخت قدرت سیاسی، توانایی دولت در رویارویی با بلایای طبیعی، مدیریت بدهی‌های خارجی، تمرکززدایی از فعالیت‌های دولتی، رقابت در بین کارکنان دولتی، کیفیت مدارس عمومی، کارایی نیروی پلیس و این‌که آیا تغییر دولت باعث تغییرات وسیع در سیاست‌ها می‌شود و میزان اعتمادپذیری و تداوم سیاست‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟ (کافمن، کری^۴ و ماستروئیز^۵، ۲۰۰۵). لذا و



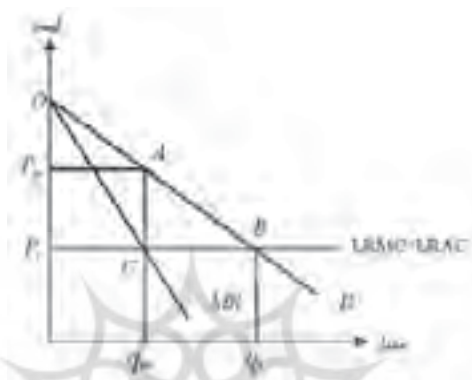
با توجه به مطالب ذکر شده میزان کارایی و اثربخشی در دستگاه دولتی را می‌توان در دو سطح سیاست‌گذاری و دیوان‌سالاری مورد بررسی قرار داد.

الف: کارایی و اثربخشی در حوزه سیاست‌گذاری: اگر نقش دولت را کوشش برای اعمال سیاست‌هایی بدانیم که به مجموعه‌ای مشخص از اهداف اقتصادی عموماً پذیرفته شده منتهی شود، آنگاه برای ارزیابی سیاست‌های دولت باید به بررسی نحوه بکارگیری ابزارهای در اختیار دولت و میزان اثرگذاری آن‌ها بپردازیم. در این میان سیاست‌های پولی و مالی دولت که اغلب برای تعیین سطح اشتغال، نرخ رشد و نرخ تورم به کار گرفته می‌شوند از اهمیت بسزایی برخوردارند. کیفیت سیاست‌های اتخاذ شده خود می‌تواند تابع مجموعه عوامل مختلفی باشد که از آن جمله می‌توان به فساد، رانت، عدم شفافیت و نبود چارچوب‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری دانست. اگر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اقتصادی در قبال سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کنند مسئول و پاسخگو باشند و دولت از لحاظ درآمدی تا حد زیادی به مردم وابسته باشد، آنگاه می‌توان انتظار داشت که کارایی و اثربخشی در حوزه سیاست‌گذاری به نحو مطلوبی وجود دارد. اگر دولت نتواند سیاست‌های همساز با رشد اقتصادی را طراحی و اجرا کند، از شفافیت و مسئولیت‌پذیری برخوردار نباشد، در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیر بوده و به منابع رانتهی متصل باشد رشد اقتصادی حتماً کاهش خواهد یافت و در غیر این صورت از بی‌ثباتی زیادی رنج خواهد برد. در اینجا اشاره‌ای داریم به اینکه چگونه عدم کارایی در دستگاه سیاست‌گذاری کلان ممکن است به اتخاذ تصمیمات نادرست و متضاد با سیستم‌های مبتنی بر بازار منجر شده و در نتیجه رفاه اجتماعی را کاهش دهد. یکی از مباحث اصلی ادبیات اقتصاد سیاسی مسئله وجود رانت در اقتصاد است که اغلب به علت اینکه منجر به انحصار در اقتصاد می‌گردد، اثرات زیان‌باری برای رشد اقتصادی در پی خواهد داشت. هر گونه فرصت‌های رانتهی در سطح وسیع از سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان نشأت می‌گیرد. این گونه تصمیمات با کارایی در سیاست‌گذاری که باید در خدمت رشد اقتصادی باشد منافات دارد.

به هر صورت یکی از مهم‌ترین علل پیدایش رانت اقتصادی به اشکال گوناگون، حرکت از اقتصاد مبتنی بر بازار به سمت اقتصاد با مالکیت دولتی است. در حالت انحصار، تولیدکننده نه تنها قیمتی بالاتر از قیمت تعادلی در شرایط رقابتی به مصرف‌کنندگان

تحمیل می‌نماید، بلکه مقدار تعادلی تولید در شرایط انحصاری کمتر از حالت رقابت خواهد بود. بنابراین مصرف‌کنندگان مقداری از رفاه خود را از دست می‌دهند. نمودار (۱) را در نظر بگیرید:

نمودار ۱ - قیمت‌گذاری در حالت انحصاری



برای سادگی فرض شده است که هزینه نهایی مقداری ثابت است. نقطه A و B به ترتیب نشان‌دهنده تولید در شرایط انحصاری q_m و شرایط رقابتی q_c می‌باشد. قیمت و مقدار در شرایط رقابتی به ترتیب عبارتند از p_c و q_c اما در حالت انحصار مقدار تولید برابر q_m و قیمت برابر p_m می‌باشد که از تقاطع منحنی‌های هزینه نهایی و درآمد نهایی به دست آمده‌اند. بنابراین مشاهده می‌شود که در مقایسه با حالت رقابت قیمت انحصاری بیشتر و مقدار تولید کمتر است. اگر اضافه رفاه مصرف‌کننده در شرایط رقابتی را با OBP_c و اضافه رفاه مصرف‌کننده در شرایط انحصاری با OAP_m نشان دهیم، ملاحظه می‌شود که اضافه رفاه مصرف‌کننده به اندازه $P_m ABP_c$ کاهش یافته و به اندازه $P_m ACP_c$ به اضافه رفاه تولیدکننده افزوده شده است. بنابراین خالص زیان اجتماعی برابر ABC خواهد بود. وجود رانتی به اندازه $P_m ACP_c$ ، سبب می‌شود تا افراد برای رسیدن به این موقعیت انحصاری و منافع حاصل از آن اقدام به پرداخت هزینه‌های مختلف کنند که ماهیت تولیدی ندارند و فقط وضع توزیع درآمد را به نفع صاحبان انحصار تغییر خواهد داد (حمید ابریشمی، ۱۳۸۳).
عدم کارایی در سیاست‌های پولی و مالی نیز می‌تواند چنین نتایجی را در پی داشته باشد. سیاست‌های کلان و بی‌ثباتی پی در پی در آن‌ها می‌تواند به جای کمک به ثبات و



رشد اقتصادی باعث افزایش تورم و بی‌ثباتی در بلندمدت شده و توزیع درآمد را به ضرر فقرا بدتر کند.

ب: کارایی و اثربخشی در حوزه دیوان‌سالاری: مضمون بسیاری از مطالعات انجام شده در مورد اهمیت دولت از ماکس وبر گرفته تا بحث‌های جدید در مورد قابلیت و توانایی حکومت‌ها، این است که فعالیت‌های دیوان‌سالاری دولت به طور غیرمستقیم رشد و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باید یادآور شد که بحث کارایی و اثربخشی تنها منحصر به دستگاه دیوان‌سالاری نیست و کارایی در دستگاه سیاست‌گذاری کلان و فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگر چه کیفیت دیوان‌سالاری در کشورهای فقیر در سطح ضعیفی قرار دارد و فساد به میزان زیادی مشاهده می‌شود، اما درک اینکه این پدیده‌ها چگونه باعث به وجود آمدن فقر و کاهش رشد اقتصادی می‌شود، کمی مشکل است.

لازم به ذکر است که حتی اگر سیاست‌های دولت به صورت ایده‌آل طراحی شده و مخارج دولتی به صورت کارا تخصیص یافته باشند، ضعف دستگاه دیوان‌سالاری می‌تواند رفاه اجتماعی را کاهش دهد و بنابراین با توجه به ارتباط بین سیاست‌گذاری‌های مربوط به مخارج دولتی و رشد اقتصادی، بالطبع نرخ رشد نیز کاهش خواهد یافت.

البته این نکته را نباید نادیده گرفت که با وجود پایین بودن کارایی دولت نمی‌توان انتظار داشت که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی همیشه در خدمت توسعه اقتصادی خواهند بود بلکه این سیاست‌ها می‌توانند در خدمت گروه‌های ذی‌نفع نیز قرار گیرند. به عبارت دیگر در حضور دیوان‌سالاری ناکارآمد، سیاست‌گذاری‌ها اغلب اثربخشی لازم را ندارند. بنابراین فرض تأثیرگذاری دیوان‌سالاری بر مضامین مقررات اجرایی می‌تواند پیامدهای خطرناکی را به دنبال داشته باشد.

مطالعات جدیدتر بر این نکته تأکید کرده‌اند که استدلال کسانی که فرض می‌کنند کیفیت دیوان‌سالاری تأثیری بر مضامین مقررات اجرایی ندارند، همیشه درست نیست. اما وقتی که این تأثیرگذاری ملموس باشد، آنگاه منافع بالقوه حاصل از دریافت رشوه، دیوان‌سالاری‌ها را به این سمت هدایت خواهد کرد تا قوانینی را تصویب کنند که حداکثرکننده رشوه باشد. این در حالی است که حتی اگر این رابطه عمل کرده و کیفیت دیوان‌سالاری اثری بر سیاست‌گذاری‌های کلان نداشته باشد، باز هم اجرای ناقص سیاست‌ها



توسط دیوان سالاری ناکارآمد رشد اقتصادی را تضعیف می‌کند.

کافمن و وی^۶ (۱۹۹۹) استدلال می‌کنند که در دنیای پویای (در حال تحول) امروز، دیوان سالاری در حقیقت از طریق افزایش کاغذ بازی و کاهش فعالیت‌های عاری از فساد، به فرصت‌های فساد آلود دامن می‌زند. اگر کسی مطمئن باشد که دیوان سالارها می‌توانند از اطلاعات بهره‌برداری کنند، حتی وقتی که در تضاد با اهداف سیاستمداران باشد، آنگاه ادعای مذکور می‌تواند صحیح باشد. بنابراین با این وجود می‌توان اثرات فساد و بی‌کفایتی‌های دیوان سالاری و پیامدهای آنها را مورد بررسی قرار داد. به هر حال، تحقیقات موجود در زمینه تفویض اختیار سیاستمداران به دیوان سالاری‌ها نشان داده است که سیاستمداران تلاش زیادی برای مهار و کنترل دیوان سالاری‌های ناکارآمد و حذف بوروکرات‌های خودسر و متمرّد انجام داده‌اند (کیفر^۷، ۲۲:۲۰۰۴).

کیفر و استاساواگ^۸ نشان می‌دهند که تفاوت‌های سیستماتیک موجود در رفتار دیوان سالارها، وابسته به نظارت‌های دولت و میزان کنترل‌هایی است که وجود دارد. از این رو است که نقش شفافیت، کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات در کمک به بهبود کارایی و اثربخشی دولت اهمیت پیدا می‌کند. آن دسته از نظارت‌ها و کنترل‌هایی که برای کنترل دیوان سالاران برقرار می‌شود تا قوانین مصوب به اجرا درآیند نقش زیادی در افزایش کارایی بوروکراسی دارد. در غیاب این کنترل‌ها زمینه گسترش فساد و انحراف در توزیع منابع به نحو چشم‌گیری افزایش می‌یابد. بنابراین با فرض وجود قوانین و مقررات اجرایی مناسب و تضمین اجرای آنها می‌توان تا حد زیادی امیدوار بود که بوروکراسی خود را اصلاح کند (کیفر و استسوج^۹، ۲۰:۲۰۰۳).

کنگ^{۱۰} (۲۰۰۲)، بدون تکیه بر این ادبیات، رابطه معنی داری را بین عملکردهای سیاسی و ماهیت فساد در کره جنوبی و فیلیپین اثبات می‌کند. در مروری بر این ادبیات، به نظر می‌رسد که اثرات قابل مشاهده فساد یا ناکارآمدی سیستم دیوان سالاری بر روی پیامدهای اقتصادی، وابسته به رفتار سیاستمداران است که موجب تضعیف نتایج اقتصادی و کیفیت عملکرد دیوان سالاری می‌شود و این اثر بیشتر از مشخصه‌های سازمان دیوان سالاری است. بنابراین نتایج فوق باعث شبهه در مورد رابطه بین رشد یا توسعه و مشخصه‌های دیوان سالاری کشورها می‌شود (کیفر، ۲۳:۲۰۰۴).

اولاً، این احتمال وجود دارد که انگیزه‌های سیاسی و فعالیت‌های سیاستمداران هم



باعث به وجود آمدن سیاست‌های ناکارآمد و بی‌اساس شده و هم دیوان‌سالاری ناکارآمد را به وجود آوردند.

دوماً، این احتمال وجود دارد که سیاست‌های ناکارآمد به همان اندازه یا بیشتر از ویژگی‌های دیوان‌سالاری باعث پدید آمدن نتایج نامناسب توسعه شده و به طور بالقوه یک رابطه کاذب بین ویژگی‌های دیوان‌ساری و توسعه را به وجود آورد.

البته این به معنای آن نیست که کیفیت دیوان‌سالاری اثر مهمی بر رشد و یا توسعه ندارد. حتی اگر سیاست‌مداران تا حد زیادی، فعالیت‌های پنهانی دیوان‌سالاری را محدود کنند، فعالیت‌های پنهانی باقی مانده می‌تواند نتایج اقتصادی قابل توجهی را به وجود آورد. به هر حال، دلایل موجه مهمی وجود دارد بخصوص مثال‌های متعددی در مورد دیوان‌سالاری‌های متکی بر نفت وجود دارد که سیاست‌های ناکارآمدی را خلق کرده است که نشان می‌دهد، مطالعات آینده باید چگونگی رابطه مشاهده شده بین عملکرد دیوان‌سالاری و رشد اقتصادی یا توسعه را با دقت بیشتری بررسی کند.

در سال ۱۹۹۴ یک محقق دانشگاه پائولو^{۱۱} با انجام تحقیقات آماری جامع بر روی مجموعه بزرگی از کشورها نشان داد که در کشورهایی که فساد اداری و عدم کارایی نظام اداری بیشتر باشد، میزان سرمایه‌گذاری و نرخ رشد اقتصادی از سایر کشورها پایین‌تر است (دفتر بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۷۷).

اقتصاد سیاسی ناکارآمدی دولت و فضای سرمایه‌گذاری

دولت به واسطه بهره‌مندی از مشروعیت سیاسی و قانونی، از امکانات بالقوه زیادی برای تأمین رشد اقتصادی و رفاه همگانی برخوردار است. حوزه دخالت دولت در اقتصاد چنان گسترده و مهم است که از تولید کالاهای عمومی گرفته (امنیت، آموزش، بهداشت و ...) تا تدوین قوانین (قوانین مالیاتی، قانون تجارت، قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و ...) را در بر می‌گیرد. بنابراین اگر فضای امن سرمایه‌گذاری را چارچوبی بدانیم که در آن هم فعالین اقتصادی در سطح خرد و هم اقتصاد ملی باید از هرگونه تهدیدی که حیات آن‌ها را به گونه‌ای به خطر می‌اندازد، محفوظ باشند، آن‌گاه می‌توان گفت که کارایی و اثربخشی دولت با مفهوم امنیت اقتصادی و فضای امن سرمایه‌گذاری ارتباط ناگسستنی دارد. تورم، بیکاری، نابرابری ثروت و درآمد، انحراف در توزیع منابع، بی‌ثباتی



اقتصادی و کاهش اعتماد به دولت از جمله عواملی هستند که امنیت اقتصادی را به خطر انداخته و در عین حال با کارایی و اثربخشی دولت ارتباط مستقیم دارند. تحلیل‌های متداول اقتصاد سیاسی که تأثیر انگیزه‌های سیاستمداران بر تصمیمات اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهند، به میزان زیادی با کارایی و اثربخشی در حوزه سیاست‌گذاری در ارتباط است. به این صورت که هر چه تصمیمات در حوزه سیاست‌گذاری در راستای منافع بلندمدت ملی باشد و تحت تأثیر منافع فردی، گروهی و فکری خاصی قرار نداشته باشد، سیاست‌هایی اتخاذ شده نیز که از حداکثر کارایی برخوردار خواهند بود و امنیت همگان تأمین خواهد شد.

در کشورهایی که ارتباط بسیار زیادی بین سیاستمداران و چارچوب دیوان‌سالاری وجود دارد، ناکارآمدی سیاستمداران ممکن است بحران دیوان‌سالاری را تشدید کند. بنابراین اثرگذاری عدم کارایی دولت بر اقتصاد ملی و در نتیجه امنیت اقتصادی به مراتب بیشتر خواهد بود. بررسی‌های موجود در زمینه اقتصاد سیاسی کشورهای توسعه نیافته نشان می‌دهد که وجود رانت، انحصار، بی‌ثباتی سیاست‌ها و عدم پایداری به قوانین نه تنها فضای امن سرمایه‌گذاری را با اختلال روبه‌رو کرده است، بلکه با اتلاف ثروت ملی و نادیده گرفتن عدالت بین نسلی، رفاه نسل‌های آینده را نیز به خطر می‌اندازد.

از این رو جدای از وجود ریشه‌های تاریخی و سیاسی تأثیرگذار بر ماهیت کارکردی دولت، باید ترتیبی اتخاذ شود که دولت به سمت افزایش کارایی و اثربخشی حرکت کند. برای این امر سه راهکار سیاستی را می‌توان پیشنهاد کرد که همگی با ماهیت دولت و حرکت به سوی دموکراسی اقتصادی ارتباط تنگاتنگی دارند.

۱- افزایش مردم‌سالاری اقتصادی

۲- افزایش کنترل و نظارت

۳- شفافیت در قوانین و مقررات

کمک به گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی و فراهم آوردن امکان حضور کارآفرینان این بخش، واگذاری فعالیت‌های تصدی‌گرایانه دولت و وابستگی درآمدی دولت به بخش خصوصی در کنار ایجاد بسترهای قانونی مناسب زمینه را برای تحقق مردم‌سالاری اقتصادی فراهم می‌کند.

این امر نه تنها امنیت اقتصادی را تثبیت می‌کند بلکه دولت را مجبور می‌سازد تا برای تحکیم حاکمیت خود از حداکثر کارایی برخوردار گردد. تحقق این مهم تنها با بکارگیری ابزارهایی نظیر کنترل و نظارت از یک طرف و شفافیت در قوانین و مقررات دولت از طرف دیگر امکان‌پذیر است. زیرا تحت این شرایط میزان تمکین دولت از اراده ملی و منفعت همگانی بیش از پیش افزایش خواهد یافت.

جدول شماره (۱): گونه‌های مختلف اصلاحات در کارایی و اثربخشی دولت

اصلاحات نهادی، تمسک به اصولها و تعهدات کار و کسب	اصلاحات ساختاری و سازماندهی	اصلاحات در جهت بهبود کارایی	اصلاحات اولیه در حوزه‌های کلیدی	اصلاحات کارگزاران	اصلاحات نهادی، تمسک به اصولها و تعهدات کار و کسب
سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی
سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی
سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی
سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی
سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی
سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی
سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی
سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی
سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی	سخت‌گیرانه و انضباطی و انضباطی



Yelena Dobrolyubova, et. All. 2005. Increasing Government Effectiveness: Approaches to Administrative Reform in the Russian Federation. World Bank. WB Russia CSR team. May.

ارزیابی کارایی و اثربخشی دولت در ایران

در سال‌های ابتدایی انقلاب اصولاً تفکر رایج در زمینه اداره امور اقتصادی بیشتر بر حاکمیت دولتی تاکید داشت و به این ترتیب بدون توجه به سرمایه‌داری بخش خصوصی بیش از پیش به سرمایه‌گذاری بخش دولتی تاکید می‌شد و در کنار این نگرش، اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به عنوان پشتوانه محکمی برای توسعه روزافزون مالکیت دولتی بر صنایع، تولید، تجارت و بانک‌ها عمل می‌کرد.

به این ترتیب، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ گرایش به دولتی نمودن اقتصاد، بخش دولتی به تدریج رو به گسترش نهاد به طوری که تعداد دستگاه‌های اجرایی کشور در مقایسه با سال ۱۳۵۷ بیش از سه برابر افزایش یافت. در همین مدت تعداد کارکنان دولت ۴ برابر گردید. گسترش بی‌رویه تشکیلات دولت پیامدهایی به شرح ذیل داشته است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵: ۴۸۳).

- کاهش نقش و مشارکت مردم در توسعه

- کاهش میزان حقوق و دستمزد کارگران که منجر به کاهش انگیزه خدمت آن‌ها شده

است

- افت کیفیت ارائه خدمات به دلیل نبود رقابت در بخش دولتی

- کاهش مقبولیت دستگاه‌های اجرایی نزد مردم و خدمت‌گیرندگان

- تغییر نسبت بودجه جاری و بودجه عمرانی و کاهش اعتبارات لازم برای تکمیل

پروژه‌های عمرانی

- افزایش سهم دولت از ظرفیت سطح اشتغال کشور

- کاهش کنترل و نظارت وزراء بر مؤسسات وابسته و در نتیجه به مخاطره افتادن

سلامت نظام اداری

جدول شماره (۲) موقعیت نسبی ایران از نظر شاخص اثربخشی دولت در بین کشورهای

MENA^{۱۲} را نشان می‌دهد. همان طوری که مشاهده می‌شود، در بین بیست کشور مورد

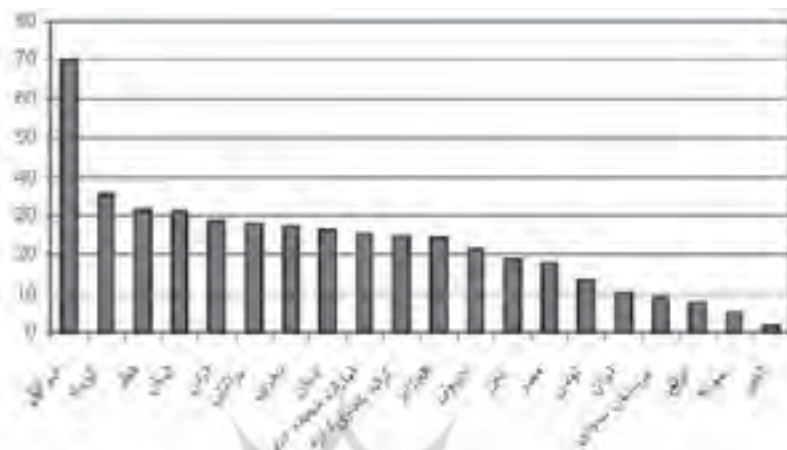
بررسی، ایران با کسب رتبه چهاردهم از موقعیت مناسبی در سطح جهانی برخوردار

نیست.

معیار کارایی دولت در عرصه سیاست‌گذاری را می‌توان کمک به رشد اقتصادی و

دستیابی به اهداف تعیین شده دانست.

نمودار شماره (۲): موقعیت نسبی ایران از نظر شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی در بین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا - سال ۲۰۰۶



سیاست‌های دولت در سطح کلان اصولاً به دو دسته سیاست‌ها پولی و سیاست‌های مالی تقسیم می‌شود. در بخش سیاست‌های مالی دولت که اغلب عملکرد آن با کارکرد بودجه سنجیده می‌شود هنوز نقایص فراوانی وجود دارد. ساختار بودجه دولت به علت وابستگی به منابع مالی بی‌ثبات، بسیار نوسان‌پذیر است به طوری که وابستگی به فروش دارایی‌های دولتی و استخراج ثروت‌های زیرزمینی و عدم موفقیت در تحقق درآمدهای مالیاتی به همراه گسترش اقتصاد زیرزمینی از یک طرف و انعطاف‌ناپذیری مخارج و هزینه‌های بودجه‌ای دولت سبب شده است که کسری بودجه جزء جدایی‌ناپذیر سیاست‌های مالی اقتصاد ایران باشد. تأمین مالی کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی باعث شده است که در غیاب استقلال این بانک، سیاست‌های پولی تابعی از سیاست‌های مالی باشد و بر همین اساس تورم و در نهایت افزایش نابرابری درآمدهای بین طبقات فقیر و غنی هم‌چنان ادامه یابد.

در مباحث مالی سند بودجه به منزله برنامه تخصیص منابع مالی دولت برای بخش‌های مختلف اقتصادی شناخته می‌شود. سندهای سالانه بودجه علاوه بر اینکه نشان‌دهنده نقش‌آفرینی دولت‌ها در اقتصاد می‌باشند، تا حد زیادی کارایی دولت را نیز منعکس می‌کنند. دولت‌ها با تنظیم جریان منابع و مصارف بودجه‌ای می‌توانند بر گردش مالی در کل اقتصاد اثر بگذارند. هر قدر که فرآیند تنظیم بودجه در جهت بهبود ساختار و عملکرد اقتصاد



ملی شکل گرفته باشد می توان انتظار داشت که علاوه بر ثبات اقتصاد کلان، رشد اقتصادی نیز از وضعیت بهتری برخوردار خواهد شد. حجم طرح های عمرانی نیمه تمام که اغلب با تغییر در مدیریت های سیاسی رو به فزونی می گیرد نشان می دهد که در فرآیند چانه زنی بین مدیران سیاسی و کارشناسان هم چنان توجه فنی و اقتصادی طرح ها در حاشیه قرار گرفته است. اتصال منابع این طرح ها به منابع بی ثبات درآمد نفتی نیز در نادیده گرفتن معیارهای فنی بی تأثیر نبوده است. ساختار هزینه و درآمد بودجه دولت به عنوان سند سیاست مالی دولت با مشکلات زیادی همراه است.

نگاهی به منابع درآمدی در بودجه دولت نشان می دهد که این منابع با ساخت مطلوب توسعه سازگار نیست. معمولاً وقتی بودجه بر اساس روندهای اقتصاد ملی شکل می گیرد منابع بودجه هم باید از مجموعه فعالیت های اقتصادی سرچشمه بگیرد. فروش ثروت، فروش دارایی، وام گیری به شکل های مختلف، تضعیف ارزش پول ملی در غیاب انگیزه اصلاح ساخت مبادلات خارجی و ابزارهایی از این قبیل در نهایت ممکن است منابع بودجه ای را افزایش دهد ولی نه می تواند به پایداری تعادل بودجه بینجامد و نه قادر است در راه اصلاح ساخت اقتصاد ملی گام بردارد (خلعتبری، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

در بعد سیاست های توزیعی و پرداخت های انتقالی دولت هم مشکلات زیادی وجود دارد. به طوری که یارانه های پرداختی از کارایی لازم برخوردار نیستند. نظام فعلی اعطای یارانه قادر به انجام رسالت واقعی خود که همانا پرداخت به افراد نیازمند و مستحق است، نبوده و سازوکار قیمت ها را مختل نموده است. شواهد فراوانی وجود دارند که نشان می دهد میزان هدفمندی نظام موجود بسیار پایین است و از طرفی در بخش هایی چون گندم (آرد) دولت در عمل درگیر توزیع کالایی شده است که هزینه های اجرایی آن بالا است. به لحاظ اجرایی علاوه بر وزارت بازرگانی که متولی توزیع یارانه کالاهای اساسی بوده و نزدیک به ۳۷ درصد منابع مالی حمایتی را توزیع می کند، حداقل ۱۴ دستگاه اجرایی دیگر درگیر امر حمایت هستند که وظیفه توزیع ۶۳ درصد دیگر منابع مالی حمایتی را بر عهده دارند (حسینی و مالکی، ۱۳۸۴: ۲۴).

بنابراین در کنار فقدان یک ساختار منسجم در عرصه سیاست گذاری کلان بری انتخاب شیوه مناسب اعطای پرداخت های انتقالی آشکار و پنهان باید گفت که به واسطه گستردگی بوروکراسی در این بخش می توان انتظار داشت که تداخل وظایف و ناهماهنگی در انجام

امور محوله باعث عدم کارایی در کارکرد اصلی سیاست‌های یارانه‌ای گردد. مطالعات نشان می‌دهند که منابع درآمدی دولت اثرات متفاوتی بر توزیع درآمد دارند. به این صورت که درآمدهای نفتی و پرداخت‌های انتقالی اثرات منفی بر توزیع درآمد داشته‌اند (اسفندیاری، اقبالی و رستمی، ۱۳۸۶: ۲۱).

این امر نشان می‌دهد که توزیع درآمدهای نفتی به نحوی صورت می‌گیرد که در دسترس همگان نیست و دیوان سالاران به نسبت نزدیکی به دستگاه دیوانی نسبت به شاغلان در بخش‌های دیگر نظیر کشاورزی از منافع مستقیم آن بهره بیشتری می‌برند. در مورد یارانه‌ها هم همین شرایط برقرار است به نحوی که اعطای یارانه‌ها به همه دهک‌ها درآمدی فاصله دهک‌های بالا و پایین را به جای کاهش، افزایش داده است. لذا این سیاست‌ها در بعضی موارد نظیر بنزین نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه مشکلات دیگری را به وجود می‌آورد که اغلب ابعاد آن همه کشور را در بر می‌گیرد.

در بخش سیاست‌های پولی مطالعات تجربی در مورد اثر سیاست‌های پولی و مبادله بین قیمت و تولید نشان می‌دهد که به احتمال قوی افزایش پول مازاد، اثرات حقیقی اندکی داشته و بی‌ثباتی اقتصادی را تشدید خواهد کرد (ابریشمی، ۱۳۸۱). در مطالعه دیگری که توسط ختایی و دانش جعفری (۱۳۸۱) صورت گرفته است این نتیجه به دست آمده است که تکانه مثبت حجم پول منجر به افزایش جزئی در تولید می‌شود. هم‌چنین این تکانه‌ها در دوره‌های ابتدای، افزایش سطح قیمت را به دنبال دارد در حالی که در دوره‌های بعدی از میزان اثرگذاری پول کاسته می‌شود.

خشادوریان (۱۳۷۷) با استفاده از یک مدل پولی انتظارات عقلایی برای اقتصاد ایران نشان داده است که سیاست‌های پولی انبساطی به طور متوسط دارای هیچ‌گونه تأثیر مستقیم بر رشد اقتصادی کشور نبوده بلکه خود به طور غیر مستقیم با افزودن بر نرخ تورم در اقتصاد به تحدید توان تولیدی می‌انجامد. بر حسب نتایج به دست آمده به ازاء هر یک درصد افزایش در تورم، رشد اقتصادی حدود $0/3$ درصد نسبت به پایه اولیه کاهش خواهد یافت.

بررسی ابعاد و پیامدهای تمام سیاست‌گذاری‌های کلان دولت نیاز به مجال بیشتری دارد. لذا در این جا تنها به سیاست‌های مالی و پولی و اثر آن‌ها بر متغیرهای واقعی اقتصاد به صورت خلاصه اشاره گردید.



بنابراین به عنوان یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت که وجود یک بخش عمومی عریض و طویل و ناکارآمد و شکل‌گیری دولت رانته با ویژگی‌های تصدی‌گری و گسترده‌گی کارکردهای توزیعی، عدم وابستگی به درآمدهای مردمی (مالیات‌ها) و در نتیجه بی‌نیازی به مشارکت‌های سیاسی و اقتصادی و هم‌چنین وجود گروهی ذی‌نفوذ باعث شده است که بازار در ایران کارکرد اصلی خود را از دست داده و در نهایت رشد اقتصادی پایین آمده و بی‌ثباتی رشد افزایش یابد.

اما در عرصه دیوان‌سالاری باید گفت که نتایج مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که نظام اداری ایران معمولاً در انجام امور محوله به نحو ناکارآمدی عمل می‌کند و بنابراین نیازمند تحول اساسی است. برای تحقق این منظور برنامه تحول نظام اداری توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تدوین و در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۸ هیأت وزیران مورد تصویب قرار گرفت که شامل هفت برنامه اصلی به شرح جدول شماره (۳) است.

برخی از مهم‌ترین چالش‌های نظام اداری را می‌توان تمرکز بوروکراسی، بی‌ثباتی مدیریت، عدم توجه به کیفیت نیروی انسانی، عدم توجه به تحقیق و پژوهش، فقدان ارزشیابی‌های سیستماتیک و عدم توجه به آموزش‌های ضمن خدمت نام برد و بر همین اساس و با توجه به تجربه کشورهای توسعه یافته می‌توان راهکارهایی از قبیل مدیریت مشارکتی، مدیریت کیفیت، مدیریت غیرمتمرکز، ثبات مدیریت، کاهش بوروکراسی، توجه به تحقیق و پژوهش، ایجاد ارزشیابی‌های سیستماتیک و توجه به آموزش نیروی انسانی را برای ارتقاء کارایی و اثربخشی بوروکراسی پیشنهاد کرد (فروغ تصدیقی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

حجم عظیم شاغلان بخش دولتی و بهره‌وری پایین نیروی انسانی، بخش زیادی از هزینه‌های جاری دولت را به خود اختصاص داده است. بنابراین اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت افزایش بهره‌وری اقتصادی از جمله راهبردهای اساسی برای بهبود عملکرد و ارتقاء کارایی دولت خواهد بود. افزایش سلامت نظام اداری، حذف موارد تداخل در وظایف کاری در دستگاه‌های دولتی، اصلاح ساختار نیروی انسانی از نظر کیفیت، بهبود کارایی سیستم‌های نظارتی، بکارگیری دولت الکترونیک و واگذاری فعالیت‌های تصدی‌گرایانه به بخش خصوصی از جمله راهکارهای افزایش بهره‌وری در

جدول شماره (۳): برنامه‌های راهبردی تحول نظام اداری

ردیف	عنوان برنامه راهبردی	مظاهر و اجزای اصلی	مظاهر مرتبط از حکم‌های خوب
۱	تحول در مدیریت منابع	و گذار به مدیریت منابع انسانی، سرمایه‌های انسانی، بودجه، تجهیزات، اطلاعات، نظام اداری	مشارکت اصحاب
۲	تحول در ساختارهای تشکیلاتی	توسیع واحدهای تشکیلاتی، نقل و جابجایی و تقویت اختیارات، اصلاحات تشکیلاتی	مشارکت
۳	تحول در نظام‌های آموزشی	ایجاد آموزش ساختار و نحوه کار و آموزش مدیران ارشد، سلامت نظام اداری و مدرسه با همه کارکنان	پایه‌های آموزشی
۴	تحول در نظام‌های استانی	استقرار سیستمی طرح ارتقاء سلامت نظام اداری و آموزش نیروی انسانی جدید استانی	آموزش‌دهی
۵	آموزش و مستندسازی	نظام جدید آموزش کارکنان و مدیران نظام جدید ارتقاء کارکنان آموزش استانی	مشارکت اصحاب
۶	اصلاح فرآیندهای توسعه فناوری اداری	دولت الکترونیک، ایجاد چابک‌های ارتباطی، خودکارسازی فرآیندها، آموزش فناوری اطلاعات، اصلاح و مستندسازی فرآیندهای اداری، نظام‌های مدیریت، سیستم‌های اطلاعات، خدمات، استفاده از فناوری‌های نو، استقرار نظام‌های نو، بررسی و بهینه‌سازی فرآیندهای جدید نظام اداری	شفافیت افق‌دوری مشارکت
۷	حفظ سرمایه انسانی	ایجاد سیستم مستندسازی و اصلاح روش‌های نظام اداری، نظارت بر بودجه استوار کردن	شفافیت و پاسخ‌گویی

منبع: هدایت کارگر شورکی، (۱۳۸۵: ۱۹۰).

دستگاه دیوانی دولت خواهد بود. به این ترتیب اگر یکی از منابع رشد اقتصادی را که در تابع تولید نهفته است، متغیر تکنولوژی (بهره‌وری) بدانیم آنگاه اهمیت بهبود بهره‌وری بیشتر درک خواهد شد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرآیندهای پیچیده اداری، فساد و فقدان سیستم مناسب جذب نخبگان از جمله مشکلات دیگری است که بوروکراسی در ایران به آن گرفتار شده است. به علت این که حجم زیادی از بودجه عمومی دولت را بودجه جاری تشکیل می‌دهد هر گونه ناکارایی در دستگاه دیوانی دولت به اتلاف درآمدهای ملی منجر می‌شود.

وجود فساد از یک طرف و نبود سیستم‌های نظارتی دقیق از طرف دیگر باعث انحراف در توزیع منابع تولید (به عنوان مثال اعتبارات بانکی) شده و محیط را برای فعالیت‌های اقتصادی ناامن می‌کند. بنابراین اصلاح نظام اداری همیشه به معنی کاهش تعداد کارکنان دولت نیست. این امر که اغلب با مقاومت مواجه می‌شود لزوماً به ایجاد



نمودار شماره (۳): نحوه اثرگذاری عدم کارایی و اثربخشی دولت بر رشد اقتصادی



نیروی دولتی کارآمد و ماهر منجر نمی‌شود. وجود کارمندانی کارآمد و باانگیزه برای اداره امور کشور، تولید و توزیع کالاها و خدمات دولتی، تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی و مدیریت هزینه‌های دولتی بسیار ضروری است. لذا اصلاح نظام اداری می‌تواند با ارائه راهکارهایی برای مقابله با فساد، افزایش شایسته‌سالاری، جذب مدیران کارآمد و افزایش انگیزه کارکنان شروع شود. همان طوری که قبلاً ذکر شد دخالت دولت تنها در حوزه اداری و بوروکراسی نیست. چه بسا پیامدهای ناشی از دخالت در حوزه قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری بسیار تأثیرگذارتر و بی‌ثبات‌کننده‌تر باشد. پیامدهای مخرب سیاست‌های نادرست در سطح کلان اگر با بوروکراسی ناکارآمد و راکد همراه باشد، برای رشد اقتصادی می‌تواند بسیار مضر باشد. در یکی از تحقیقات میدانی که نظرات تعدادی از فعالان اقتصادی را به طور خلاصه ذکر کرده است، بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری و بی‌ثباتی در قوانین به عنوان عمده‌ترین موانع توسعه بخش خصوصی و رشد اقتصادی در ایران معرفی شده‌اند که هر دو در زمره خصوصیات حوزه‌های سیاست‌گذاری و بوروکراسی دولت در ایران هستند (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴) - موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران

ردیف	موانع	اهمیت (میانگین از ۱ تا ۶)
۱	نرسدنی به تصمیم‌گیری	۵/۹
۲	موانع در قانون‌گذاری	۵/۴
۳	مقررات نرخ ارز	۴/۸۴
۴	قوانین و مقررات کار	۴/۸۶
۵	مشکلات مالی	۴/۸۰
۶	فساد	۴/۷۰
۷	قوانین تجارت خارجی	۴/۶۶
۸	قوانین مالیاتی	۴/۵
۹	تورم	۴/۳۸
۱۰	کنترل قیمت‌ها	۴/۳۳
۱۱	تورم	۴/۰۷
۱۲	جرم و جنایت	۴/۰۰
۱۳	شفاف نبودن ساختار	۳/۹۸
۱۴	فرایندهای قانونی پیچیده و پراکنده شروع فعالیت‌های اقتصادی	۳/۹۶
۱۵	مقررات ایمنی و بهداشتی	۳/۳۹

Bijan Khajepour, Domestic Political Reform and Private Sector Activity in Iran, Social Research, Jul 2000 (from internet), p. 8.
 منبع: ۱. بهمنی، ناصر، گذار به فساد و عدم شفافیت در بخش خصوصی ایران، تابستان ۸۶.

ارائه مدل

مطالعات تجربی نشان می‌دهد که بالا رفتن اندازه دولت و افزایش وظایف تصدی‌گرایانه دولت که اغلب منجر به تحدید بخش خصوصی می‌شود بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد. این نحوه گسترش فعالیت‌های مداخله‌جویانه دولت همراه با ناکارایی در دستگاه دولتی خواهد بود و از طریق افزایش فساد، عدم شفافیت، سیاست‌گذاری‌های جانبدارانه و ناکارآمد و انحراف در تخصیص بهینه منابع موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. به همین دلیل بحث اندازه دولت و تلاش برای کوچک‌تر کردن آن در طول دهه گذشته به صورت یک چالش عمومی در بین اغلب سیاستمداران کشورهای در حال توسعه درآمده است. شواهد نشان می‌دهند که کشورهای توسعه یافته از سال ۱۹۹۶ میلادی

به بعد تلاش‌های زیادی را در جهت کاهش بوروکراسی، افزایش شفافیت، کنترل فساد و گسترش پاسخ‌گویی انجام داده‌اند.

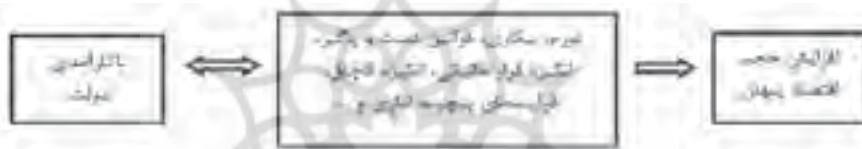
مدلی که در این جا معرفی می‌گردد برخلاف سایر مطالعاتی که به صورت تک‌معادله‌ای به ارزیابی منابع رشد پرداخته‌اند، از یک ساختار معادلات هم‌زمان برخوردار است. مدل اصلی از دو معادله تشکیل شده است که در معادله اول تأثیر عوامل اثرگذار بر رشد، از جمله رشد سرمایه‌گذاری، را ارزیابی کرده و در معادله دوم بر اساس ساختار اقتصادی ایران و برای در نظر گرفتن اثر کیفیت کارایی و اثربخشی دولت بر رشد، عوامل اثرگذار بر رشد سرمایه‌گذاری را بررسی می‌کنیم. به این ترتیب کانال اثرگذاری کارایی دولت بر رشد اقتصادی، از طریق سرمایه‌گذاری است و بهبود شاخص‌های کارایی دولت باعث افزایش رشد سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی می‌شود.



در این جا ذکر این نکته لازم است که در مبحث اندازه‌گیری شاخص کارایی و اثربخشی دولت نمی‌توان یک شاخص کلی را ارائه کرد. اما می‌توان مجموعه‌ای از شاخص‌ها را که هر کدام به نحوی گویای وضعیت کارایی و اثربخشی دولت باشد، معرفی کرد که البته هیچ‌کدام نماینده سایر شاخص‌ها نخواهد بود. در کنار این مسئله، مشکلات مربوط به محاسبه شاخص‌ها در یک سری زمانی طولانی نیز وجود دارد. لذا برای انجام یک کار تجربی ناگزیر از به کار بردن متغیرهای جانشین هستیم، با این شرط که در انتخاب متغیر جانشین باید از دقت کافی برخوردار بود و متغیری را انتخاب کرد که با مجموعه معیارهای کارایی و اثربخشی هماهنگی لازم را داشته باشد.

در این مقاله از شاخص اقتصاد پنهان (نسبت اقتصاد پنهان به تولید ناخالص ملی) به عنوان متغیر جانشین برای شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت استفاده شده است. به دلیل این‌که ماهیت اقتصاد پنهان با عملکرد دولت و مجموعه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی آن در ارتباط مستقیم است، هرگونه افزایش در اقتصاد پنهان را می‌توان به منزله عدم

توانایی دولت در کنترل اقتصاد و در نتیجه عدم کارایی دولت در دستیابی به مجموعه اهداف تعیین شده تلقی کرد. آن دسته از فعالیت‌های اقتصاد پنهان که در بخش غیررسمی وجود دارد ناشی از بیکاری و نبود نظام تأمین اجتماعی است که بتواند افراد بیکار را تحت پوشش خود قرار داده تا وارد این بخش از اقتصاد پنهان نشوند. بخش‌های دیگر اقتصاد پنهان از قبیل اقتصاد گزارش نشده و اقتصاد غیرقانونی نیز تابع عواملی چون عدم اعتماد به دولت، نرخ‌های بالای مالیاتی، عدم توانایی دولت در شناسایی مؤدیان مالیاتی و در نهایت ضعف دولت و ضعف در بازار که باز به نوعی به عامل سیاست‌های دولتی بر می‌گردد، دانست. مجموعه این توضیحات درک رابطه نزدیک بین عدم کارایی و اثربخشی دولت و گسترش اقتصاد پنهان را روشن‌تر می‌کند. بنابراین شاخص اقتصاد پنهان را می‌توان به راحتی به عنوان متغیر جانشین عدم کارایی و اثربخشی دولت به کار برد^{۱۳}.



با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان الگوی زیر را برای بررسی منابع رشد پیشنهاد کرد.

$$dgdpt = c(1) + c(2) * ink + c(3) * led + c(4) * dll + c(5) * dloil + c(6) * du1$$

$$ink = c(8) + c(9) * dlcr + c(10) * mkg + c(11) * hi$$

$dgdpt$ = نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

ink = نسبت سرمایه‌گذاری خالص به موجودی سرمایه (نرخ رشد سرمایه‌گذاری)

led = لگاریتم متوسط سال‌های تحصیل

dll = نرخ رشد نیروی کار شاغل

$dloil$ = تغییرات در لگاریتم درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز

mkg = رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای

$dlcr$ = تغییرات در لگاریتم مانده تسهیلات اعطایی سیستم بانک‌ها به بخش غیردولتی

hi = متغیر جانشین کارایی و اثربخشی دولت (سهم اقتصاد پنهان از تولید ناخالص ملی)

$du1$ = متغیر مجازی سال‌های جنگ که برای سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۹، مقدار یک و برای

بقیه سال‌ها مقدار صفر را اختیار می‌کند.

برای محاسبه موجودی سرمایه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ از روش نمایی استفاده شده است. بر این اساس برای دوره ۱۳۵۷-۱۳۳۸ و با استفاده از داده‌های سرمایه‌گذاری خالص، تابع نمایی سرمایه‌گذاری خالص به صورت زیر برآورد شده است:

$$LIN = 6.23 + 0.155 * T + 0.416 * DU \quad [AR(1) = 0.597]$$

(۳۳/۰۳) (۱۱/۱۲) (۴/۳۲) (۳/۴۹)

$$n = 19 \quad R^2 = 98/7 \quad DW = 1.8$$

که در آن DU، متغیر مجازی برای تأثیر تکنانه نفتی و افزایش درآمدهای نفتی است. به این صورت که برای سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۴، مقدار DU برابر یک و برای بقیه سال‌ها برابر صفر خواهد بود. نیز نشان‌دهنده زمان است. به این ترتیب سرمایه‌گذاری خالص در سال پایه، یعنی ۱۳۳۸، برابر است با آنتی‌لگاریتم عدد ۶/۲۳ تقسیم بر عدد ۰/۱۵۵ که همان نرخ رشد سرمایه‌گذاری است. آنگاه با استفاده از ارقام سرمایه‌گذاری خالص، می‌توان موجودی سرمایه را به صورت زیر محاسبه کرد.

$$K_t = K_0 + \sum_{i=1}^t (I_i - D_i)$$

که در آن؛

K_t = ارزش موجودی سرمایه به قیمت ثابت در سال t

K_0 = ارزش موجودی سرمایه در ابتدای دوره t

I_t = سرمایه‌گذاری ناخالص در سال t

D_t = ارزش میزان استهلاک در سال t

برای اطمینان از پایایی متغیرهای مدل، آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته برای سطوح متغیرها انجام شده است که نتایج آن در جدول شماره (۵) آمده است. این نتایج نشان می‌دهد که تمامی متغیرها در سطح پایا هستند.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته برای متغیرهای مدل

متغیر	ogdp	lnk	ted	oil	doil	mkg	dicr	nl
سطح پایا	*	*	*	*	*	*	*	*
آماره آزمون	-۳/۲۲	-۳/۹۶	-۳/۳۴	-۳/۳۲	-۳/۹۱	-۳/۷۲	-۲/۱۶	-۳/۳۳
مقدار بحرانی	-۲/۲۳	-۲/۷۳	-۲/۸۵	-۲/۸۳	-۲/۸۵	-۲/۸۳	-۱/۹۵	-۲/۱۶

* در سطح ۵ درصد

نتایج حاصل از برآورد سیستم معادلات مذکور برای دوره ۱۳۸۳-۱۳۵۰، به روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS) و پس از اطمینان از پایایی متغیرها و رفع مشکل خودهمبستگی (ضرایب ۷ و ۱۲ در مدل) در جدول شماره (۶) آمده است.

جدول شماره (۶): نتایج برآورد معادلات مدل به روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای

		Dul	W	dlcr	mlg	dlol	dll	lsl	lsh	متغیر وابسته	
$R^2=0.63$	DW=1.95	-0.03	-	-	-	+0.07	+0.07	+0.07	+0.07	رشد اقتصادی	تاریخ
		-0.03	-	-	-	+0.07	+0.07	+0.07	+0.07	رشد اقتصادی	
$R^2=0.92$	DW=2.13	-	+0.07	+0.07	+0.07	-	-	-	-	سرمایه‌گذاری	تاریخ
		-	+0.07	+0.07	+0.07	-	-	-	-	سرمایه‌گذاری	

نتایج به دست آمده مطابق انتظار و بر اساس ادعاهای موجود است. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود، اثر عدم کارایی و اثربخشی دولت بر رشد سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی منفی است. یعنی عدم کارایی در دستگاه سیاست‌گذاری و دیوانسالاری باعث کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. این امر با ضریب منفی در متغیر جانشین ظاهر شده است. عدم کارایی و اثر بخشی اغلب اخلاص در بازار و سیستم قیمت‌ها، افزایش هزینه مبادله، ایجاد فرصت‌های رانتی و در نتیجه انحراف در تخصیص منابع و ایجاد انحصار موجبات کاهش در سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش در رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. بی‌معنی بودن و خلاف انتظار بودن علامت ضرایب متغیرهای نرخ رشد نیروی کار شاغل و تغییرات در لگاریتم مانده تسهیلات اعطایی سیستم بانک‌ها به بخش غیردولتی تأکیدی است بر اینکه مازاد نیروی کار در بخش‌های مختلف دولتی و کارایی پایین آن‌ها از یک طرف و وجود انحراف در تخصیص بهینه منابع مالی بانکی به بخش‌های تولیدی (عدم کارایی سیستم بانکی) باعث شده است که علامت ضرایب مطابق انتظار نباشد.

با توجه به نقش بسیار مهم دولت در مدیریت کلان اقتصادی و سیاسی جامعه می‌توان گفت که مباحث مربوط به کارایی و اثربخشی دولت نیز به تناسب از اهمیت زیادی برخوردار خواهند بود. نحوه عملکرد دولت و در نتیجه میزان کارایی دولت می‌تواند زمینه‌ساز مجموعه‌ای از تهدیدها و فرصت‌هایی باشد که اقتصاد یک جامعه با آن روبه‌رو خواهند شد. افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه همکاری جامعه برای اجرای سیاست‌های



دولت به واسطه افزایش اعتمادپذیری دولت؛ افزایش نهادی به واسطه کارایی دولت در طراحی و تدوین قوانین مناسب؛ افزایش امنیت اقتصادی و گسترش مردم‌سالاری اقتصادی در نتیجه اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر منافع ملی از جمله فرصت‌هایی خواهند بود که در صورت پیروی دولت از مشخصه‌های کارایی و اثربخشی می‌توان از آن‌ها بهره‌مند شد. از طرف دیگر عدم کارایی دولت زمینه‌ساز چالش‌هایی خواهد بود که برای اقتصاد ملی به مثابه تهدید عمل می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت که انحراف در تخصیص بهینه منابع و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی به واسطه گسترش فرصت‌های رانتی و سلطه انحصار در اقتصاد ملی؛ افزایش بیکاری، تورم و بی‌ثباتی اقتصادی به واسطه اجرای سیاست‌های نامناسب و نادیده گرفتن منافع ملی؛ افزایش هزینه مبادله در نتیجه‌ی ناکارآمدی بوروکراسی و گسترش فساد اداری و در نهایت مقاومت مردم در برابر اجرای صحیح و به موقع سیاست‌های دولت از جمله چالش‌ها و تهدیدهایی هستند که عدم کارایی و اثربخشی دولت به آن‌ها دامن خواهد زد. از آن‌جا که لازمه مقابله با چالش‌های موجود بهره‌گیری از مدیریت صحیح است لذا دولت برای دستیابی به ثبات، امنیت و رشد اقتصادی باید تلاش کند که از حداکثر کارایی و اثربخشی، هم در حوزه دیوان‌سالاری و هم در حوزه سیاست‌گذاری برخوردار گردد.

نتیجه‌گیری

واقعیت این است که دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و باثبات وقتی به تحقق می‌پیوندد که نظام اقتصادی بازار از دخالت‌های غیر ضروری دولت محفوظ بماند. البته این به معنای حذف کامل دولت در عرصه اقتصاد نیست بلکه دولت باید در کنار بازار در صدد اجرای سیاست‌هایی برآید که علاوه بر رفع موارد شکست بازار بتواند محیط مناسبی را برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورد. از طرف دیگر سیاست‌گذاری‌های صحیح دولت علاوه بر رشد اقتصادی می‌تواند توزیع مجدد درآمد، ثبات اقتصادی، تخصیص منابع و مدیریت نظام تصمیم‌گیری عمومی را بهبود ببخشد. تاریخ اقتصادی به این نتیجه رسیده است که عملکرد مناسب اقتصادی جز با حضور کارآمد دولت در کنار بازار امکان‌پذیر نیست. این کارایی باید هم در عرصه سیاست‌گذاری و هم در عرصه بوروکراسی وجود داشته باشد تا محیط مناسب برای فعالیت بازار (به صورت تدریجی) فراهم شود.

شواهد نشان می‌دهند که در ایران سیاست‌های کلان اقتصادی در دستیابی به اهداف مشخص ناکارآمد بوده و بوروکراسی نیز از نقاط ضعف زیادی رنج می‌برد. مجموعه این عوامل بهره‌وری را کاهش، هزینه مبادله را افزایش و در نهایت محیط را برای فعالیت‌های اقتصادی بی‌ثبات کرده و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. این امر سبب می‌شود که علی‌رغم وجود منابع و نهاده‌ها، بهره‌برداری مناسبی از آن‌ها صورت نگیرد. لذا با توجه به نقش غیر قابل انکار دولت در اقتصاد و با در نظر گرفتن دخالت‌های گسترده مستقیم و غیر مستقیم (تصدی‌گری و قانون‌گذاری) دولت جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد ملی، ضرورت بازبینی در اهداف، سیاست‌گذاری‌ها و کارایی دیوان‌سالاری، هم‌زمان با فراهم آمدن زمینه‌های اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

ذکر این نکته ضروری است که چون دولت حجم زیادی از اقتصاد را در اختیار دارد و بخش خصوصی به شدت از سیاست‌های دولت تأثیر می‌پذیرد، لذا هر گونه افزایش کارایی و اثربخشی دستگاه دولتی موجبات رشد کارایی و بهره‌وری را در اقتصاد ملی فراهم می‌کند. مطالعاتی که در زمینه بهره‌وری تولید در ایران انجام شده‌اند نشان می‌دهند که کارایی در تولید با هیچ عامل منفرد متعارف اقتصادی توضیح داده نمی‌شود. لذا برای درک بهتر معضل بهره‌وری پایین و فهم پدیده کم‌رشدی در ایران و درمان آن بهتر است به جای تحلیل‌های متداول اقتصادی از تحلیل‌های اقتصاد سیاسی، یعنی آن‌چه که این مقاله بر آن تأکید دارد، استفاده کرد.



پیوست: نتایج نهایی حاصل از برآورد سیستم معادلات رشد برای
 ارزیابی اثر متغیر جانشین کارایی و اثربخشی دولت به روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای
 در نرم‌افزار Eviews

System: SY501				
Estimation Method: Iterative Three-Stage Least Squares				
Date: 12/01/07 Time: 11:59				
Sample: 1352 1383				
Instruments: DLOIL HI LED INK DLL DLGR DU1 C				
Sequential weighting matrix & coefficient iteration				
Convergence achieved after: 9 weight matrices, 104 total coef iterations				
	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(1)	0.288745	0.118865	2.470757	0.0170
C(2)	1.332927	0.401933	2.885544	0.0058
C(3)	0.172503	0.069485	2.482223	0.0165
C(4)	0.838478	0.529752	1.582774	0.1199
C(5)	0.043384	0.017549	2.472733	0.0189
C(6)	-0.028840	0.031135	-0.926270	0.3588
C(7)	0.578711	0.143469	4.033686	0.0002
C(8)	0.118761	0.030547	3.758919	0.0005
C(9)	-0.046078	0.034526	-1.331664	0.1891
C(10)	0.327211	0.037738	8.994901	0.0000
C(11)	-0.135845	0.044022	-3.085857	0.0033
C(12)	0.440578	0.128618	3.479573	0.0011
Determinant residual covariance		4.78E-07		
Equation: $\Delta GDP = C(1) + C(2) * INK + C(3) * LED + C(4) * DLL + C(5) * DLOIL + C(6) * DU1 + [AR(1) = C(7)]$				
Observations: 31				
R-squared	0.628096	Mean dependent var	0.033027	
Adjusted R-squared	0.532620	S.D. dependent var	0.068748	
S.E. of regression	0.046909	Sum squared resid	0.053015	
Durbin-Watson stat	1.848408			
Equation: $INK = C(8) + C(9) * DLGR + C(10) * MKG + C(11) * HI + [AR(1) = C(12)]$				
Observations: 30				
R-squared	0.920527	Mean dependent var	0.086025	
Adjusted R-squared	0.907811	S.D. dependent var	0.061360	
S.E. of regression	0.019631	Sum squared resid	0.008677	
Durbin-Watson stat	2.282556			



پی‌نوشت‌ها:

- ۱- Public Choice Theory
- ۲- Rent seeking behavior
- ۳- Daniel Kaufmann
- ۴- Aart Kraay
- ۵- Massimo Mastruzzi
- ۶- Kaufmann and Wei
- ۷- Keefer
- ۸- Keefer and Stasavage
- ۹- Keefer & Stasavage
- ۱۰- Kang
- ۱۱- Paolo
- ۱۲- Middle East and North Africa

۱۳- در مورد برآوردهای اقتصاد پنهان ر.ک. محمد علی براتی و احمد پرخیده، بازشناسی ماهیت اقتصاد پنهان در ایران، تهران، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۳۸۶۱.

منابع فارسی

- ایریشمی، حمید. منابع نوسانات اقتصادی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۰. ۱۳۸۱.
- اسفندیاری، علی اصغر، علیرضا اقبالی و احمد رستمی. بررسی اثر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد در ایران. فصلنامه اقتصاد سیاسی. شماره ۱۴. ۱۳۸۶.
- بازشناسی مولفه‌های موثر بر اختلاس در ایران. دفتر بررسی‌های اقتصادی. مجلس و پژوهش. شماره ۲۵. خرداد و شهریور ۱۳۷۷.
- براتی، محمد علی و احمد پرخیده. بازشناسی ماهیت اقتصاد پنهان در ایران. تهران. موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. ۱۳۸۶.
- برادران شرکاء، حمیدرضا و کوروش صدیقی. اقتصاد سیاسی پدیده کم‌رشدی در ایران. راهبرد. نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک. شماره ۴۳. بهار. ۱۳۸۶.
- تصدیقی، فروغ و محمد علی تصدیقی. ساختار اداری ایران در راه توسعه پایدار و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران (چالش‌ها و راهکارها). در مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. ج ۲. دولت، سیاست داخلی و اصل ۴۴. تهران. موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. ۱۳۸۵.
- حسینی، سید شمس‌الدین و امین مالکی. روش پرداخت بارانه و معیارهای انتخاب آن، بررسی تجربی کشورهای منتخب و ایران. بررسی‌های بازرگانی. سال دوم، شماره ۱۳. مرداد و شهریور. ۱۳۸۴.
- ختائی، محمود و داود دانش جعفری. بررسی تأثیر تکانه‌های تولید، سطح قیمت‌ها، ارز و پول در نوسان‌های اقتصاد کلان ایران. مجله برنامه و بودجه. شماره ۷۵. ۱۳۸۱.
- خشادوریان، ادموند. نقش سیاست‌های پولی در فرآیند رشد اقتصادی و تورم در ایران. رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۷.
- خلعتبری، فیروزه. مدیریت بودجه‌ای و ثبات اقتصادی، نگاهی بر مدیریت منابع در بودجه سال ۸۵. فصلنامه اقتصاد و جامعه. شماره ۶. ۱۳۸۴.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ج ۲. اسناد توسعه ویژه. تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. ۱۳۸۵.
- صالحی، حسین. بررسی ساختار بازارهای ایران. در محمد طیبیان. اقتصاد ایران. موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۸.
- کارگر شورکی، هدایت. تقویت سرمایه اجتماعی از طریق توسعه مدیریت دولت، رویکردی برای تحقق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران. در مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. ج ۲. دولت، سیاست داخلی و اصل ۴۴. تهران. موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. ۱۳۸۵.
- عبدالعلی، اسماعیلی. تعیین و اندازه‌گیری کارایی واحدهای ستادی سازمان‌های دولتی با استفاده از رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. ۱۳۸۴.

منابع انگلیسی:

- Besley, Timothy, (1995), Property rights and investment incentives: Theory and evidence from Ghana, Journal of Political Economy, Vol. 103, No. 5.
- Dobrolyubova, Yelena, Gord Evans, Nick Manning, Neil Parison, (2005), Increasing Government Effectiveness: Approaches to Administrative Reform in the Russian Federation, World Bank, WB Russia CSR team,
- Durham, J. Benson, Economic growth and political regimes, (1999), Journal of Economic Growth, Vol. 4, No. 1, pp. 81-111.
- Gradstein, Mark, (2004), Governance and Growth, Journal of Development Economics, Vol. 73, No. 2, pp. 505-518,
- Kaufmann, Daniel, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi, (2005), Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004, The World Bank Working Papers.
- Kaufmann, Daniel, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi, (2007), Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2006, the World Bank Working Papers.
- Keefer, Philip, (2004), A review of the political economy of governance: From property rights to voice, World Bank Policy Research Working Paper 3315.
- Keefer, Philip & David Stasavage, (2003), The limits of delegation: Veto players, central bank independence and the credibility of monetary policy, World Bank Working Papers.
- Khajehpour, Bijan, (2000), Domestic Political Reforms and Private Sector Activity in Iran, Social Research (from internet).
- Svensson, Jakob, (1998), Investment, property rights and political instability: Theory and evidence, European Economic Review, Vol. 42, pp. 1317-1341.

